

● سخنان حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله .

خدمت سروران گرامی، علما، اساتید، فضلا و دانشجویان عزیز، خیرمقدم عرض می‌کنم.

امروز، یکی از روزهای شیرین و به یادماندنی برای بنده و همه علاقه‌مندان به نشر آثار اهل بیت است. از خداوند متعال سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با تلاشهای فراوانی که برای به ثمر رسیدن این تشکیلات صورت گرفت، امروز، شاهد شروع کار دانشکده علوم حدیث باشیم.

من امروز، در این جلسه توجیهی و پیش از شروع کلاسها لازم می‌دانم از همه برادران عزیزی که برای ساماندهی این تشکیلات زحمت کشیدند و تلاش کردند، چه در زمینه طرح توسعه و ایجاد این بنای تاریخی برای علوم حدیث، چه در بخش محتوایی برای ایجاد دانشکده علوم حدیث، در تدوین اساسنامه، برنامه‌ها و همه آنچه مربوط می‌شود به اینکه این تشکیلات به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز



کند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

در آغاز، نکاتی را برای دانشجویان عزیز بیان می‌کنم و -إِنْ شَاءَ اللَّهُ- برادران بزرگوار مسئول در دانشکده، هر یک توضیحات ریزتر و جزئی‌تر را ارائه خواهند کرد. مطلبی که من خدمتتان عرض می‌کنم، تبیین اجمالی اهداف دانشکده، سیاستها و برنامه‌هاست. کلیات را من عرض می‌کنم و جزئیات را دوستان بیان خواهند کرد. اولین سؤالی که در ذهن هر کس و بخصوص دانشجویان این رشته هست، این است که علوم حدیث چیست؟ توضیحات اجمالی در تبلیغاتی که برای ثبت نام دانشجویان صورت گرفت، داده شده بود؛ ولی از سؤالاتی که دانشجویان داشتند، پیداست که هنوز این مسئله ابهام دارد. من می‌خواهم در این ارتباط، قدری برای شما صحبت بکنم.

علوم حدیث چیست؟ چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ و چگونه می‌توان به این

اهداف دست یافت؟

به عنوان مقدمه عرض می‌کنم که اسلام، برنامه تکامل انسان است. آنچه انسان از نظر اعتقادی، اخلاقی و عملی برای تکامل مادی و معنوی نیاز دارد، اگر یک جا جمع بشود، می‌شود اسلام. این برنامه تکامل انسان، از دو چشمه نور منشا می‌گیرد که عبارت‌اند از: کتاب خدا و سنت رسول خدا. کتاب خدا نور است و سنت رسول خدا هم نور است: «کلامکم نور»^۱.

پیامی که مقام معظم رهبری برای افتتاح مؤسسه فرهنگی دارالحدیث فرستادند، با این جمله آغاز می‌شود: «کلامکم نور». همان طور که کتاب خدا نور است، کلام اهل بیت هم نور است و برنامه تکامل انسان، ریشه در این دو منبع نور دارد و این دو منشا و منبع فیض و نور، ملازم یکدیگرند؛ یعنی برنامه تکامل انسان -اگر بخواهد به صورت واقعی ارائه شود- نیاز به هر دو دارد. قرآن به تنهایی کافی نیست. سنت هم به تنهایی کافی نیست.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۲ (زیارت جامعه کبیره).



سنت چیست؟

سنت از نظر ما عبارت است از: قول، فعل و تقریر معصوم (که همان رسول خدا و اهل بیت ایشان باشند). سنت رسول الله، شامل فعل و قول و تقریر اهل بیتش هم هست؛ چون اهل بیت هم هر چه می‌گویند، از پیامبر نقل می‌کنند. از امام صادق (ع) سؤال می‌کنند: «حرفهایی که شما می‌گویید، از کجا می‌گویید؟» فرمود: «هرچه من می‌گویم، از پدرم نقل می‌کنم، از پدرش، از جدش تا می‌رسد به رسول خدا».^۲ همه ائمه این جور هستند. آنچه می‌گویند، سنت پیامبر است. عترت که در حدیث ثقلین آمده (کتاب الله و عترتی)، عبارت است از همان سنت پیامبر، به علاوه مسئله رهبری و امامت. گستره سنت از نظر ما با بعثت پیامبر اسلام، شروع می‌شود و با غیبت ولی عصر (عج) ختم می‌شود.

این دو، یعنی قرآن و حدیث، نیاز به همدیگر دارند. وقتی می‌گوییم حدیث، مقصودمان همان سنت است. اگر بخواهیم حدیث را آن گونه که هست ارائه کنیم، نیاز به قرآن داریم و اگر بخواهیم قرآن را آن گونه که هست تفسیر کنیم، نیاز به حدیث داریم.

قرآن بدون سنت و عترت، یا سنت و عترت بدون قرآن، نه تنها راهگشا و تکامل آفرین نیست و مشکلی از جامعه انسانی حل نمی‌کند؛ بلکه مفهوم واقعی خودش را هم ندارد. بنابراین، حدیث شناسی در واقع، قرآن شناسی است. قرآن شناسی هم به مفهوم حدیث شناسی است. پس چرا می‌گوییم دانشکده علوم حدیث؟ چون برنامه‌های دانشکده به علوم حدیث گرایش دارد. یک وقت ما سرمایه‌گذاری بیشتری در زمینه شناسایی قرآن می‌کنیم و از قرآن به حدیث

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۳؛ الارشاد، ص ۲۵۷.



می‌رسیم. یک وقت، بیشترین سرمایه‌گذاری علمی از این طرف می‌شود و از حدیث به قرآن می‌رسیم. برای شناخت صحیح حدیث، نیاز به قرآن داریم و برای شناخت صحیح قرآن، نیاز به حدیث داریم.

اما حدیث‌شناسی یک تفاوت با قرآن‌شناسی دارد و آن، عبارت است از اینکه در تاریخ اسلام، حدیث، حوادث و مصائبی را از سر خود گذرانده که حدیث‌شناسی را مشکل ساخته است. در قرآن‌شناسی، لااقل متن قرآن برای همه مردم، قابل شناسایی است. این کتابی که ما به نام قرآن (بدون کم و کاست) داریم، همان است که بر قلب مقدس رسول الله نازل شد؛ ولی آنچه به عنوان حدیث داریم و در کتب حدیث نوشته شده، آیا همان است که پیغمبر گفته؟ آیا همان است که اهل بیت فرمودند؟ یا آن نیست؟ بی‌تردید، بسیاری از آنچه که به معصومان نسبت می‌دهند، همان است؛ ولی اینکه آیا همه آنچه در کتب حدیث نوشته شده، فعل و قول و تقریر معصوم است یا نه، جای بحث دارد که در تاریخ تدوین حدیث - ان شاء الله - خواهید خواند. اجمالاً نمی‌توانیم بگوییم همه آنچه در کتب حدیث به پیامبر یا اهل بیت نسبت داده شده، واقعاً فرموده آنهاست.

علوم حدیث

حدیث‌شناسی بیش از قرآن‌شناسی نیاز به تخصص دارد؛ به دلیل اینکه متن قرآن، بدون تردید و به اجماع مسلمین، همان است که بر پیامبر نازل شده؛ لیکن هر آنچه در کتب حدیث هست، معلوم نیست کلام معصوم باشد. این، نیاز به بحث و تحقیق و جستجو دارد.

قرآن‌شناسی، با داشتن فقط یک تخصص امکان‌پذیر است و آن، تخصص در تفسیر است. کسی که بخواهد متخصص در تفسیر شود، نیازهای مختلفی از نظر علمی دارد؛ ولی به هر حال، تخصص در تفسیر و فهم متن قرآن برای قرآن



شناسی کافی است؛ لیکن حدیث شناسی با یک تخصص امکان پذیر نیست و نیاز به سه چهار تخصص دارد. اگر کسی بخواهد حدیث شناس شود، در گام اول، نیاز به شناخت حلقه هایی دارد که حدیث را به معصوم متصل می کنند. قرآن شناسی، این حلقه ها را لازم ندارد. قرآن موجود، به اتفاق همه مسلمانها همان است که بر پیامبر اکرم نازل شد و هیچ تردیدی هم در آن نیست: «لاریب فیہ»؛^۳ لیکن در حدیث بحث هست.

حدیثی را مرحوم شیخ صدوق نقل کرده و او از دیگری، از دیگری تا می رسد به یکی از معصومان. این سلسله واسطه ها که سند نامیده می شود، قابل اعتماد نیست و شناخت سند، تخصص می خواهد: آیا این افرادی که حدیث را نقل کرده اند، انسانهای درستی بوده اند یا خیر؟ چه مذهبی داشته اند؟ از نظر وثوق و عدالت تا چه پایه ای بوده اند؟ تحقیق در این زمینه، پژوهشگر را به علم رجال و تخصص در شناخت سند احادیث می رساند.

تخصص دوم، شناخت اصطلاحات یا صفات حدیث است که به آن، مصطلح الحدیث گفته می شود. وقتی افراد سند را شناختیم و دانستیم که این حدیث از معصوم صادر شده یا نشده، اینجا حدیث، اصطلاحات و صفات مختلفی پیدا می کند. گاهی حدیث، متواتر است؛ یعنی تعدد رجال سند، در حدی است و به گونه ای است که یقین می کنیم حدیث از معصوم صادر شده و قطعی الصدور است. گاه هم فقط یک نفر حدیث را نقل کرده و یک رشته سند برای آن نقل شده است که در این صورت، خبر واحد است. اینکه یک حدیثی صحیح است یا ضعیف یا موقوف، مُرسَل است یا مرفوع یا مقطوع و... این عناوین، اصطلاحاتی است که انواع احادیث با آنها شناخته می شوند.

جمع بندی محقق و پژوهشگر نسبت به صدور و عدم صدور حدیث هم



می شود یک گرایش دیگر و یک دانش دیگر. پژوهشگر بالاخره باید جمع بندی بکند که این حدیث با این مضمون و با این واژگان و ادبیات، چقدر احتمال دارد که از معصوم صادر شده باشد: نود درصد؟ هفتاد درصد؟ پنجاه درصد؟ سی درصد؟ ... یا اینکه اصلاً این حدیث، حدیث مجعول است که به دروغ، نسبت به معصوم داده اند. این، دومین تخصص مورد نیاز برای شناخت احادیث اسلامی است.

راه دیگر وثوق به صدور حدیث - که بسیار مهم است - بررسی قرائن صدور و قرائن عدم صدور است. ما می توانیم یک حدیث را ولو اینکه از نظر سند، رجال آن ناشناخته باشند و اصطلاحاتی که در رشته حدیث شناسی شناخته شده اند، گویای عدم صدور آن باشند، از راه قرائن بفهمیم که از معصوم صادر شده است؛ یا به عکس، در مواردی که حدیث از نظر سند ایرادی ندارد، از راه قرائن کشف کنیم که صادر نشده است.

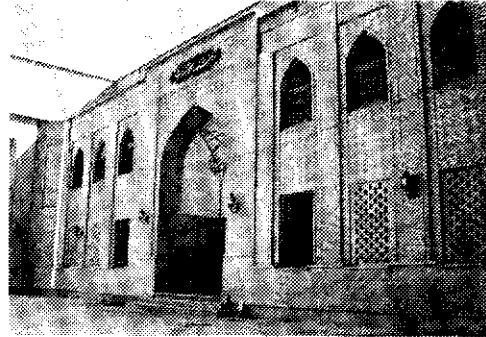
حدیثی داریم که در اصطلاح حدیث شناسی به آن «مُرْسَل» گفته می شود؛ اصلاً سند ندارد و راوی یی که همزمان با معصوم نبوده، آن را مستند به معصوم کرده و هیچ واسطه ای را هم ذکر نکرده است. ما می خواهیم بفهمیم آن سندی که ذکر نشده، درست بوده یا درست نبوده است. ما از مطابقت یا عدم مطابقت مضمون این حدیث با قرآن، موافقت یا عدم موافقت آن با عقل، موافقت یا عدم موافقت آن با سایر گفته های معصومان، مجموعه اینها را اگر کنار هم بگذاریم و در صورتی که حدیث شناس بشویم، می توانیم اثبات کنیم که این از معصوم صادر شده یا صادر نشده یا به احتمال چند درصد صادر شده است. این (اثبات صدور از طریق قرائن)، یک راه جدیدی است که باید به صورت کاملاً علمی در بیاید و در دانشگاه تدریس شود؛ ان شاء الله!

همین جا اضافه کنم که مرکز تحقیقات دارالحدیث، توجه و اهتمام ویژه ای به این موضوع دارد.

هدف از تاسیس دانشکده

این سه تخصص یا گرایش که عرض کردم، همه مقدمه هستند برای پذیرش حدیث و استفاده از آن. علوم حدیث، مقدمه است برای

رسیدن به محتوای حدیث و معارف آن. در حدیث، مسائل مختلفی مطرح می شود و مهمترین مسئله در برخورد با



حدیث، این است که حالا این حدیث که با این مقدمات به ما رسید، چه می گوید؟ به کدام یک از رشته های حوزوی یا دانشگاهی مربوط می شود؟ آیا این حدیث به رشته اقتصاد مربوط می شود؟ یا به سیاست؟ یا به اخلاق؟ یا به فلسفه، به کلام، به مدیریت، به طب، به نجوم؟ قریب ۲۵ رشته از علوم، در حدیث ریشه دارد. استفاده اصلی ما از حدیث، اینجاست.

علوم حدیث که عنوان این دانشکده است، شامل همه این مراحل می شود: هم گرایش رجال، هم اصطلاحات و هم بررسی محتوا. شاید برای شما این سؤال مطرح باشد که اگر ما علوم مقدماتی حدیث شناسی را بدانیم و ذی المقدمه را ندانیم، چه فایده دارد؟ پاسخ، این است که برنامه دروس دانشکده به گونه ای است که دانشجوی در همه گرایش های علوم حدیث، آگاهی های مورد نیاز را تحصیل خواهد کرد. چیزی که هست، دانشجوی در یک گرایش تخصص پیدا می کند و به کار در تخصص اصلی اش می پردازد؛ لیکن آن طور نیست که در گرایش های دیگر حدیث، چیزی نداند.

از همین جا وارد می شوم به بحث درباره هدف نهایی دانشکده علوم حدیث.



قبلاً باید اشاره کنم که در جامعه ما تاکنون، علوم حدیث مورد عنایت نبوده و مهجور مانده است؛ با اینکه به شدت در نظام اسلامی مورد نیاز است.

مقام معظم رهبری، در پیامی که برای افتتاح مؤسسه فرهنگی دار الحدیث فرستادند، نکته بسیار مهمی را مطرح کردند و آن اینکه: «حدیث، مادر بسیاری از علوم اسلامی یا همه آنهاست».^۴ این، نکته بسیار مهم و حرف درستی است. ایشان در ادامه اشاره می‌فرماید: «از این روست که عالم دین شناس بزرگ اقدم، شیخ کلینی -رحمه الله تعالی- در مقدمه کتاب کافی شریف، حدیث را برابر با علم دین دانسته است».

مرحوم کلینی^۵ اولین محدث معروف جهان تشیع است. ایشان در همین شهر ری، در قرن سوم (یعنی زمان غیبت صغرا) زندگی می‌کرده است و مزارش در بغداد است. مرحوم کلینی قبل از شیخ صدوق -که مزارش در محله معروف به «ابن بابویه» در شهر ری است - در این شهر بوده و تدریس داشته است. این فرمایش مقام معظم رهبری اشاره به جمله‌ای از مقدمه «اصول کافی» است که صاحب کتاب در پاسخ یکی از شاگردهایش که از ایشان می‌خواهد کتاب جامعی برایش بنویسد، می‌گوید: «فَقُلْتُ أَنْتَ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ كِتَابٌ كَافٍ يُجْمَعُ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ فُنُونِ عِلْمِ الدِّينِ مَا يَكْتَفِي بِهِ الْمُتَعَلِّمُ وَيَرْجَعُ إِلَيْهِ الْمُسْتَرْشِدُ وَيَأْخُذُ مِنْهُ مَنْ يَرِيدُ عِلْمَ الدِّينِ وَالْعَمَلِ بِهِ».^۶ این شاگرد، کتابی می‌خواست که در همه فنون و رشته‌های علم دین شناسی، کافی و وافی باشد و اگر دانشجو بخواهد به آن مراجعه کند و کسی بخواهد از طریق آن به علم دین برسد، بتواند. شیخ کلینی در ادامه می‌گوید: «وَقَدْ يَسَّرَ اللَّهُ وَلَهُ الْحَمْدُ تَأْلِيفَ مَا سَأَلْتُ... خُداوند، مقدمات را فراهم کرد و این کتاب را من برای اجابت درخواست شما نوشتم».

۴. علوم حدیث، ش ۱، ص ۲.

۵. کلین، از روستاهای شهرستان ری و نزدیک فساپویه است و مقبره پدر ثقة الاسلام کلینی در آن قرار دارد.

۶. الکافی، ج ۱، ص ۸ (مقدمه کلینی).

نکته این است که حدیث‌شناسی - با توضیحاتی که عرض کردم - مادر بسیاری از علوم اسلامی است؛ یعنی اگر کسی بخواهد در هر یک از علوم اسلامی تخصص پیدا بکند، حتماً باید حدیث‌شناس باشد. روی این حساب، دانشکده علوم حدیث، در واقع، مقدمه دانشگاه اسلام‌شناسی در همه رشته‌هاست؛ ان شاء الله! دانشجویان این دانشکده و محققانی که در مرکز تحقیقات دار الحدیث مشغول تلاش هستند، باید به تدریج آماده شوند و آمادگی پیدا کنند برای تأسیس دانشگاه اسلام‌شناسی در همه رشته‌ها؛ چون حدیث، مادر عمده علوم اسلامی است.

ما موقعی به آن نقطه مطلوب می‌رسیم که بتوانیم در همه رشته‌های اسلامی، همه مراکز عالی آموزشی کشور و خارج کشور را تغذیه کنیم. دانشکده علوم حدیث، مقدمه این هدف بلند است. در حال حاضر، دانشگاه‌های ما در رشته‌هایی که مربوط به علوم انسانی می‌شود، کتابی که مطالب آن برگرفته از منابع اسلامی باشد، برای دانشجو ندارند و یا خیلی کم دارند.

دانشگاه‌های ما در علوم سیاسی چه دارند؟ در رشته علوم سیاسی، همان چیزی را که غربی‌ها گفته‌اند، ما تکرار می‌کنیم. در جامعه‌شناسی چه داریم از اسلام؟ همان‌هایی که آنها گفته‌اند، در دانشگاه ما دارد تدریس می‌شود. در روان‌شناسی چه داریم از اسلام؟ در تاریخ اسلام، ما چه چیزی داریم؟ اخیراً مراجعه کردند به بنده برای مصاحبه درباره مدیریت اسلامی و مدیریت مشارکتی در اسلام. در این باره، ما تاکنون چه کرده‌ایم؟

در حدیث‌شناسی، تنها چیزی که کار شده است در حوزه‌های علمیه، فقه و اصول است. بله، فقه و اصول هم ریشه در حدیث دارند؛ لیکن تنها فقه و اصول، حدیث نیست. حدیث، خیلی فراتر از فقه و اصول است.

حدیث، عرفان است؛ روان‌شناسی است؛ اقتصاد است؛ جامعه‌شناسی است؛ سیاست است؛ مدیریت است و ... و قطعاً معارف حدیثی ما برای رشته‌های مختلفی که امروز در دانشگاه‌های خودمان تدریس می‌شوند (بویژه علوم انسانی)،



حرفهای اساسی دارد و حتی برای دانشگاه های خارج از کشور هم مورد نیاز جدی است.

دانشکده علوم حدیث - با این مقدماتی که عرض کردم - زمینه ساز دانشگاه اسلام شناسی است و با این حساب، معاونت پژوهشی دانشکده و همچنین مرکز تحقیقات دارالحدیث - که در قم است و ان شاء الله امیدواریم به زودی به عنوان پژوهشکده علوم حدیث رسمیت پیدا کند - خیلی مسئولیتشان سنگین است. ما باید به طور مقایسه ای در همه زمینه هایی که دنیا حرف دارد، نظریه اسلام را به عنوان سخن برتر، ارائه کنیم.

ما که می گوییم: «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه»؛^۷ یعنی در همه رشته های علوم



انسانی، اسلام، دست بالاتری دارد. اسلام در جامعه شناسی دست بالا را دارد؛ در سیاست، دست بالا را دارد؛ در اقتصاد، حرف اول را دارد؛ در مدیریت، حرف اول را دارد؛ در روان شناسی حرف اول را دارد. خوب، اینها کجاست؟ کجا کار شده؟ کجا به صورت سازماندهی شده و تشکیلاتی در زمینه این مسائل کار کرده اند؟ با شعار که این مسائل حل نمی شود؛ با گفتن هم حل نمی شود. این امور، احتیاج به

۷. عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۲۲۶؛ المبسوط، ج ۲، ص ۴۶.



تحقیقات جمعی و تشکیلاتی دارد. تا به حال در این زمینه ها افراد به صورت فردی کار کرده اند. در زمینه علوم حدیث هم در هر گرایشش به صورت فردی کار شده؛ ولی به صورت تشکیلاتی و سازمانی تا به حال قطعاً کار نشده است.

مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، دانشکده علوم حدیث و پژوهشکده علوم حدیث، به عنوان اولین گام، برای اینکه به صورت تشکیلاتی و سازماندهی شده در زمینه رشته های مختلف فنون اسلامی تحقیق صورت بگیرد، زمینه را فراهم کرده اند. من از این قسمت می گذرم؛ ولی اینجا حرف خیلی هست.

حدیث و خودسازی

نکته دیگری که من مایل هستم در اینجا برای دانشجویان عزیز ذکر کنم، این است که برای رسیدن به نور وحی، برای اینکه شما حدیث شناس بشوید، باید نورانی شوید. باید این نور باطنی را که نورانیت جامعه بشری جز از طریق آن امکان پذیر نیست، در خود ایجاد کنید.

دانشجوی علوم حدیث باید با سایر دانشجویان، تفاوت اساسی داشته باشد. اینکه خطاب به معصومان می گوئیم: «کلامکم نور؛ سخن شما نور است»، ظرفیت هم برای شناسایی این نور و حمل این نور، لازم است. هر دانشجویی نمی تواند حامل کلام نورانی اهل بیت باشد؛ نمی تواند حدیث شناس شود؛ نمی تواند تخصص پیدا کند. بلکه آن دانشجویی می تواند در این رشته موفق باشد و به هدف برسد که خودش را منطبق با آنچه اهل بیت گفته اند و آنچه این نور اقتضا می کند، تربیت بکند.

ما به همان میزان که به متخصص شدن دانشجویان این دانشکده در علوم اهل بیت و در علم حدیث اهمیت می دهیم، به همان میزان، به اینکه دانشجویان این دانشکده مهدب باشند تا بتوانند نورانیت کلام اهل بیت را به جامعه منتقل کنند هم اهمیت می دهیم. دانشجوی علوم حدیث باید علاوه بر حمل نور، خودش هم



نورانی باشد. از آنها نباشد که قرآن می فرماید: مثل اللّٰذین حَمَلُوا التّوراة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اَسْفاراً...^۸

به همین جهت، ما - ان شاء الله - تلاش خواهیم کرد از طرق گوناگون به این مسئله جدأ پردازیم تا دانشجویان این دانشکده افزون بر جنبه های علمی، از نظر اخلاقی و تربیتی هم نمونه باشند تا بتوانند پیام اهل بیت را به همه دانشگاه های دنیا در همه زمینه ها ببرند. باید پیام اهل بیت در زمینه های گوناگون و رشته های مختلف (که اهل بیت حرف دارند و حرف اول را هم دارند) به تمامی دنیا برسد. امام صادق (ع) می فرماید اگر حرف مرا در احتجاجات و گفتگوها مورد استفاده قرار دادید و شما حرف اول را نزدیک و پیروز نشدید، به این معناست که من شکست خورده ام؛^۹ یعنی اگر کسی مسلط باشد به مبانی حدیثی و متخصص باشد در علوم اهل بیت، در همه رشته های علوم انسانی، حرف اول را خواهد داشت. اگر خود دانشجو و محقق نورانی باشد و چراغ نورانی کلام اهل بیت را هم در دست داشته باشد، می تواند همه دانشگاه ها، مراکز علمی و جوامع انسانی را نورانی کند؛ ان شاء الله!

نکته پایانی اینکه در ارتباط با مواضع سیاسی، ما معتقدیم که اولاً یک دانشجو قبل از اینکه مواضع سیاسی داشته باشد، باید شناخت سیاسی داشته باشد. همان طور که مقام معظم رهبری تأکید کردند، دانشگاه باید سیاسی باشد. دانشجو باید سیاسی باشد. البته سیاسی بودن و سیاست دانستن، غیر از سیاسی کاری است. سیاسی کاری، همان سیاست به معنای رسمی است. سیاسی کار بودن یعنی برای رسیدن به قدرت، دنبال دوز و کلک های سیاسی رفتن و منافع خود و گروه خود را دنبال کردن.

ما معتقدیم دانشجو حتماً باید سیاسی باشد؛ حتماً باید بیش سیاسی داشته

۸. سوره جمعه، آیه ۵.

۹. تصحیح الاعتقادات، المفید، ص ۷۱.



باشد؛ حتماً باید با مواضع گروه‌های سیاسی آشنا باشد؛ لیکن مطلق‌گرا بودن، برخلاف هدفی است که دانشجو دنبال می‌کند. هیچ‌کس مطلق نیست. هیچ گروهی هم مطلق نیست. ما می‌گوییم منطق دانشجو باید منطق قرآن باشد: فبشّر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه. ^{۱۰} همه حرف‌ها را می‌شنویم؛ حرف همه گروه‌ها را می‌شنویم؛ آنچه بهتر و منصفانه‌تر است، آن را می‌پذیریم.

به نظر ما دانشجو باید هدایتگر حرکت‌های سیاسی باشد. اگر خودش در یک قالب سیاسی رفت، دیگر نمی‌تواند هادی و راهنمای جریان‌های سیاسی باشد؛ آن وقت، مطلق‌گرا می‌شود؛ آن وقت می‌گوید هر کس با گروه من است، درست می‌گوید و هر کس با گروه من نیست، درست نمی‌گوید.

ما در شرایط فعلی در دانشکده در عین اینکه معتقدیم باید زمینه را فراهم کنیم تا دانشجو در کنار رشد علمی و اخلاقی، از نظر سیاسی هم رشد کند، مایل نیستیم درگیری‌های سیاسی به دانشکده علوم حدیث راه یابد ما کمک می‌کنیم که بینش سیاسی دانشجو تقویت شود؛ ولی از اینکه جنجال و درگیری گروه‌های سیاسی در دانشکده ایجاد شود، جلوگیری می‌کنیم.

ما با همه‌توان، تلاش خواهیم کرد که دانشجوها بتوانند قضاوت کنند و در آن مسیری که حق است، حرکت کنند و حتی بتوانند جریان‌های سیاسی را هدایت کنند.

راجع به برنامه‌ها و مسائلی که خواهران و برادران باید به آنها عنایت داشته باشند، برادر بزرگوار، حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای قاضی عسکر- که حق بسیار زیادی بر دانشکده دارند و از آنجا که بنده فرصت نداشتم مسائل دانشکده را پیگیری کنم، همه زحمات به عهده ایشان بود- توضیحاتی ارائه خواهند کرد.

